



پاسخ روحانی به یک نامه:

در کنار تان ایستاده‌ام

پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: رئیس‌جمهوری در پاسخ به یک هم‌وطن بلوچ، با تأکید بر اینکه «ایران آباد و سرفراز بی‌تردید و بی‌مسامحه، رنگین‌کمانی از همه اقوام و شهروندان است و جز با توسعه همه‌جانبه، متوازن و بدون تبعیض...

صفحه ۲

دوشنبه ۳۰ دی ۱۳۹۸ • ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۲۰ ژانویه ۲۰۲۰

تیتَر دو

زیر خط فقری‌ها خط خوردند

گزارش میدانی «شرق» از تحقق پرداخت بسته‌های معیشتی

صفحه ۵

تیتَرها

فراموش شدگان سیل

گزارش میدانی «شرق» از مناطق سیل‌زده جنوب شرق کشور یک روز پیش از سفر روحانی به چابهار

صفحه ۴

تهران-واشنگتن-بغداد پس از ترور سردار سلیمانی

صفحه ۱۵

نگاهی به رابطه ایران و آمریکا ۴۰ سال بعد از آزادی گروگان‌ها

۵۲ نفر در برابر ۵۲ نقطه

صفحه ۳

قالیباف می‌ماند یا می‌رود

صفحه ۲

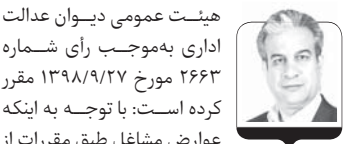
جنگال بر سر شیر آلوده

صفحه ۴

حرف اول

نقدی بر رأی دیوان عدالت برای اخذ عوارض از دفاتر وکلا

محمود حبیبی*

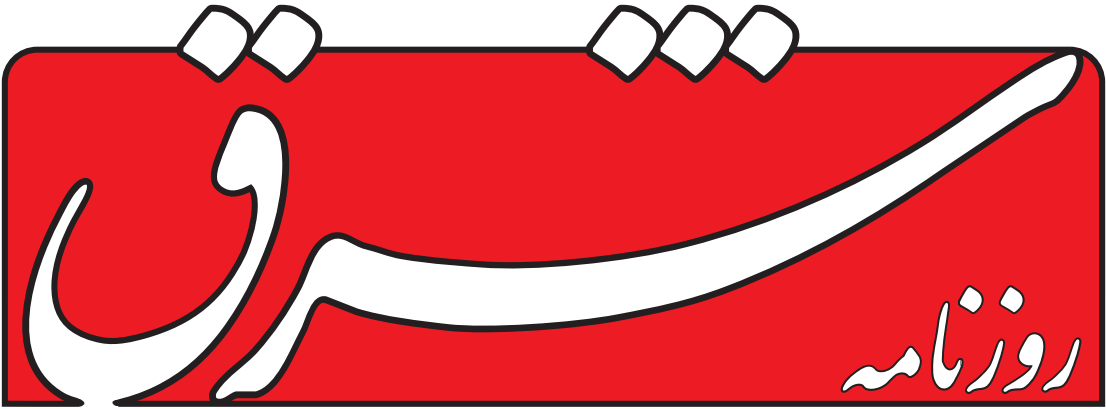


هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب رأی شماره ۲۶۶۳ مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۷ مقرر کرده است: با توجه به اینکه عوارض مشاغل طبق مقررات از همه مشاغل سطح شهر اعم از صنوف مشمول قانون نظام صنفی و مشاغل خاص مثل پزشکان، بانک‌ها، بورس و غیره به استناد بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات و وظایف و اختیارات شوراهای شهر مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی اخذ می‌شود و مشاوره حقوقی یا وکالت نیز یکی از مشاغل شهری محسوب شده... بنابراین در اجرای ماده ۹۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، رأی شماره ۵۶۶ مورخه ۹۶/۶/۱۴ هیئت عمومی که بر ابطال بند ۱۶ مصوبه تعرفه عوارض محلی سال ۹۱ شورای اسلامی شهریار ناظر به وضع عوارض دفاتر حقوقی و وکالت صادر شده است، نقض می‌شود. براساس این رأی اخذ عوارض کسبی و تجاری از دفاتر وکلای دادگستری مطابق مقررات محسوب شده است.

این موضوع ما را بر آن داشت تا در این یادداشت، مهم‌ترین ایرادهای حقوقی و قضائی این دادنامه را به اختصار بیان کنیم.

۱- دیوان عالی کشور به‌موجب رأی وحدت رویه به شماره ۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۸/۳ اصراحتاً مقرر کرده است: ... نظر به اینکه شغل وکالت دادگستری تابع قانون خاص بوده و طبق آیین‌نامه مربوط به خود، دفتر آن محلی است برای پذیرایی موکلین و تنظیم امور وکالتی که در واقع به اعتبار شخص وکیل اداره می‌شود نه به اعتبار محل کار... و به لحاظ داشتن مقررات خاص به موجب تبصره ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۵۹/۴/۱۳ شورای انقلاب اسلامی از شمول مقررات نظام صنفی مستثنی می‌باشد.

ادامه در صفحه ۲



گفت‌وگو با مصدومان و خانواده جان‌باختگان مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی

روایت ۴۸ دقیقه برزخی؛ ۶۲ قربانی

صفحه ۱۳



رئیس مجلس شورای نگهبان رکورد

منتقد جدید شورای نگهبان رد صلاحیت مجلس ششم را زد

صفحه ۲

یادداشت

هزینه سکوت در برابر انتقال آب به سمنان

به آن پایبندی داریم؟ یا واقعاً بر این باوریم که با پول می‌توان (و باید) همه نوع ایده (واقعی یا فانتزی) را اجرا کرد؟ در هر صورت، نتیجه این فرایند چنان است که می‌بینیم: با وجود آنکه این پروژه‌های فنی اشکالات فراوان محیط‌زیستی، فنی و اجتماعی دارند، یکی پس از دیگری اجرا می‌شوند! انکار همان‌قدر که در کشور ما دسترسی به آب شیرین محدود و از نظر جغرافیایی بسیار پراکنده است، دسترسی به درآمد متصفانه نیز چنان سخت است که امضای حرفه‌ای و مهندسی را پای هر طرحی باید گذاشت. به این گزاره‌ها لطفاً توجه کنید: هر نوع عملیاتی که در منطقه مصوب طرح انتقال آب دریای مازندران به سمنان صورت بگیرد، به دلیل ویژگی‌های زمین‌ساختی مخاطره‌آمیز است. هر نوع اقدامی که به حفر تراشه منجر شود، بخشی از پوشش آخرین واحد زمین‌شناسی یا هولوسن (دور حاضر، عهد حاضر را از بین می‌برد و محو می‌کند. هولوسن همان بستری از زمین است که جنگل‌ها روی آن قرار دارند و برداشتن هولوسن منجر به نابرداری زمین می‌شود. از مهم‌ترین نتایج دور انسان و تخریب هولوسن هم گرم‌شدن زمین و خطر انقراض حیات از روی زمین است؛ فعالیت‌های بشر اگر قرار است در جهت حفظ طبیعت و پایداری نوع بشر و حیات باشد، باید در مخالفت با فرایند گرم‌شدن صورت بگیرد و کارهایی مانند انتقال آب مازندران به سمنان مشخصاً در این جهت نیست. این طرح دخالت واضحی در هولوسن است که در ادامه خود هم جنگل‌های این منطقه، هم خاک البرز را از بین می‌برد و نتیجه آن تولید بیشتر گازهای گلخانه‌ای، تقویت کربن و مونوکسید کربن و در نتیجه گرم‌تر شدن زمین خواهد بود. اجرای طرح انتقال آب دریای مازندران به سمنان با از بین رفتن ۲۵۰ هکتار جنگل مواجه می‌شود که به‌هیچ‌عنوان جبران‌پذیر نیست. سطح دریا حدود ۲۷ متر از سطح دریا‌های آزاد و توپوگرافی صفر پایین‌تر است و با توجه به اینکه دریای مازندران دریای بسته‌ای است و شور و بالایی دارد، برداشت آب و انتقال آن می‌تواند به بالا رفتن شور و آب منجر شود. پیش‌ازاین نیز کشور شور و دخالت‌های خود خشک‌سالی‌های بزرگی را در ترکمنستان، قزاقستان و

بلکه همواره مستنداتی به‌عنوان دستاورد مطالعات علمی و فنی موجود است که اجرای چنین برنامه‌ای را تأیید می‌کند. چرا چنین است؟ آیا مهندسان مشاور نمی‌دانند؟ یا کارشناسی ندارند که نکته‌های منفی و انتقادآمیز این برنامه‌ها را یادآوری کنند و روی آنها بایستند؟ حدود ۳۰ سال قبل، در ابتدای کار حرفه‌ای‌ام بعد از اتمام دوره لیسانس، در یک شرکت مهندسی مشاور مشغول به کار شدم و ادبیات معمول در آن شرکت که بعدها دیدم تقریباً ادبیات معمول در تمام مهندسان مشاور -لااقل در سطح مدیریت آنهاست- آن بود: «اگر پول وجود داشته باشد، از پس هر مشکلی می‌توانی برآیی و هر پروژه‌ای را می‌توانی اجرا کنی». البته در عالم واقع می‌توانیم نمونه‌های عملی و عینی این ذهنیت را فراوان ببینیم. در یک نهاد علمی و فنی تخصصی یا دولتی، با در نظر گرفتن پارامترهای علمی، باید خط قرمزهایی وجود داشته باشد که حتی اگر به ضرر منافع کوتاه‌مدت شرکت است، بر حرف فنی درست کارشناسی بایستد یا مانع اجرای پروژه شوند یا ملاحظات واقعی -نه صوری- را بر اجرای پروژه حاکم کنند. در بسیاری از موارد (متأسفانه بیشتر موارد)، با این ادبیات مدیریتی مواجه می‌شویم که در تنگنای مالی هستیم، به کارشناسانم چند ماه حقوق ن داده‌ام یا دیر حقوق داده‌ام، در معرض ورشکستگی هستیم و... و به‌رحال «پروژه را اولاً نباید از دست داد» و از سوی دیگر «نیاید منویات و اراده کارفرما معطل بماند». اگر کارفرما اراده کرده است که آب دریای مازندران به منطقه جنوبی البرز در استان سمنان منتقل شود، (با این ذهنیت) باید کار را بگیریم، انجام هم بدهیم و با اجرای آن مخالفت هم نکنیم؛ اما برای آنکه جلوی هر سؤال بعدی را ببندیم، بهتر است در انتهای هر گزارش خود (که در راستای توجیه اراده کارفرما تهیه شده است) بنویسیم «البته لازم است مطالعات بیشتر در مراحل بعدی انجام شود». به این ترتیب، حتی اگر کار بعدها با اشکالات جدی و انتقادهای فراوان مواجه شد (مانند خشک‌کردن دریاچه ارومیه یا احداث سد گتوند) خواهیم گفت: ما که گفته بودیم «مطالعات بیشتر لازم است». در این صورت می‌توان پرسید: وجدان حرفه‌ای و مهندسی چه اهمیتی دارد؟ اصلاً

مهدی زارع*



پروژه‌های مختلفی در کشور اجرا شده یا در دست اجراست که کارشناسان اشکالات آن را قبل، حین یا بعد از اجرا گوشزد کرده‌اند. معمولاً مخاطب کارشناسان منتقد، کارفرمایان و در سطح کلان، دولت است؛ اما این سؤال مطرح است که آیا اجرای پروژه‌هایی مانند احداث ۲۷ سد روی سرشاخه‌های رودخانه‌هایی که به دریاچه ارومیه می‌ریزند، مهندس مشاور نداشته؟ آیا احداث سد گتوند در خوزستان یا سد هزار در مازندران، بدون مطالعات اولیه فنی انجام شده؟ آیا اجرای پروژه سد لار در استان مازندران، بدون مطالعات مهندسی اولیه امکان‌پذیر بوده است؟ آیا توسعه شهرهای تهران و تبریز، بدون مطالعات مشاور این پروژه‌ها مراجعه شود، گزارش مهندسی مشاور داشته‌اند. همه آنها اجرا نشده‌اند، مگر آنکه یک یا چند مهندس برای طراحی و اجرای مناقصه و تأیید اجرای آنها، به‌طور شفاهی در جلسات و کتبی در گزارش‌ها نظر مثبت داده باشند. کارفرما و دولت مسئول بوده‌اند، ولی کارشناسان هم مسئولان دیگری بوده‌اند که بر اجرای این طرح‌ها نظر مثبت داده‌اند. نگاه کنید به طرح دوطبقه‌کردن بزرگراه صدر در تهران که حین و پس از اجرا انتقادهای فنی بسیاری را برانگیخت، یا طرح احداث دنباله جنوبی بزرگراه امام علی از منطقه نظام‌آباد- لشکر در تهران به سمت شهری که آن نیز هنگام اجرا با انتقاد بسیاری همراه بوده و هست. اگر به اسناد فنی این پروژه‌ها مراجعه کنید، اتفاقاً گزارش‌های مهندسی مشاور مرحله به مرحله برای آنها تهیه شده و انجام این کارهای عمرانی را در تهران مورد تأیید قرار داده‌اند. درباره انتقال آب از دریای مازندران به منطقه سمنان نیز باز مسئله از همین نوع است. نتهتای گزارش‌های مهندسی مشاور، به اجرای چنین برنامه‌هایی نقد نکرده‌اند،

داریوش مصطفوی در گفت‌وگو با «شرق»:

استفاده از واژه «ذلت» پوپولیستی است

گروه ورزش: وضعیت لغو میزبانی چهار تیم باشگاهی ایران در لیگ قهرمانان آسیا، موضوعی است که این روزها شبهات زیادی را مطرح کرده و بسیاری از کارشناسان و مدیران کلان در سیاست و ورزش ایران عقیده دارند در صورتی که کنفدراسیون...

صفحه ۱۴

سال هفدهم • شماره ۳۶۲۸ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

روزهای خون‌ریزی داخلی کتاب و فرهنگ

کامبیز نوروزی



در میان خبرهایی مانند شهادت سردار سلیمانی و شلیک موشک ایرانی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد و سقوط هواپیمای اوکراینی و جان‌باختن ده‌ها انسان بی‌گناه، شاید خبر تعطیلی یک کتاب‌فروشی قدیمی، چیزی بی‌اهمیت جلوه کند. یک کتاب‌فروشی قرار است تعطیل بشود، مهم نیست؛ اما اشتباه نکنیم اگر شهادت سردار سلیمانی و جان‌باختن مسافران پرواز اوکراینی زخم‌هایی خون‌افشان‌اند، تعطیلی «کتابخانه طهوری» نشان‌دهنده خون‌ریزی داخلی کتاب در ایران است. سیداحمدرضا طهوری، مدیر کتابخانه طهوری، در گفت‌وگویی با ایرنا گفته است «دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم و بهمن ۱۳۹۸ را پایان راه کتابخانه خود می‌دانم».

این خبر را سرسری نخوانیم. کتابخانه طهوری ۶۶ سال پیش به همت سیدعبدالعفشار طهوری شروع به کار کرد. او عمداً نام نشر و فروشگاه خود را کتابخانه گذاشت. نه کتاب‌فروشی. کتابخانه طهوری از محترم‌ترین و معتبرترین دفاتر نشر و کتاب‌فروشی‌های تهران است که همه این سال‌ها روبه‌روی دانشگاه تهران دوام آورد. حالا سیداحمدرضا طهوری به ایرنا گفته است «کتابخانه‌ای که از جنگ جان سالم به در برده، در جنگ کتاب و کاغذ با همه چیزفروش‌ها، به فروش گذاشته است. چندان که خود می‌گوید دیگر نمی‌تواند ادامه بدهد و بهمن ۱۳۹۸ را پایان راه کتابخانه خود می‌داند... می‌گوید دیگر جانی برای جنگیدن ندارم و می‌خواهم انتشارات را حفظ کنم، ولی چرخ‌های کتابخانه این‌گونه نمی‌گردد».

بازار فرهنگ در ایران و از همه مهم‌تر بازار کتاب در ایران دچار خون‌ریزی داخلی است و کسی نمی‌بیند. کسی نمی‌خواهد ببیند که بازار نحیف نشر و کتاب و کتاب‌خوانی چگونه دارد آرام‌آرام جان می‌دهد. بعد از آنکه به‌تدریج تمرکز کتاب‌فروشی‌ها از خیابان «شاه‌آباد» که بعدها بخشی از خیابان جمهوری شد، به روبه‌روی دانشگاه تهران منتقل شد. اصطلاح «روبه‌روی دانشگاه تهران» برای هرکس که اهل کتاب بوده است، مرادف شد با کتاب و کتاب‌خوانی. هنوز هم خیلی‌ها هستند که اگر غروب یک روز دلشان گرفت، با قدم‌زدن روبه‌روی دانشگاه و نگاه به ویترین کتاب‌فروشی‌ها و شاید خرید یکی، دو کتاب، دلگشایی کنند. کتابخانه طهوری، بی‌اغراق، بخشی از شناسنامه «روبه‌روی دانشگاه تهران» و کتاب و نشر مدرن در ایران است. از آن کتاب‌فروشی‌هایی است که هر وقت می‌گفتیم روبه‌روی دانشگاه، نام آن را هم به‌خاطر می‌آوردیم.

کتابخانه طهوری، به کار بازاری روی نیاورد و اصالت را به تقنن و کاسب‌کاری واگذار نکرد. حالا کتابخانه طهوری بعد از ۶۶ سال، در برابر وضعیت آشفته و ویران اقتصاد کتاب تاب تحمل از کف داده است. خون‌ریزی داخلی فرهنگ و کتاب این کتاب‌فروشی اصیل و ریشه‌دار و محترم و معتبر را از پا درآورده است. کسی هم عین خیالش نیست. اصلاً چه اهمیتی دارد، نه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نه دستگاه‌های اقتصادی دولت، نه مجلس و نه هیچ‌جای دیگر نه فکر و نه برنامه و نه همتی برای این خون‌ریزی داخلی کتاب در ایران ندارند. تیراژه‌ها روزبه‌روز کمتر می‌شوند. ناشون و کتاب‌فروشی‌ها روزبه‌روز لاغرتر و نحیف‌تر می‌شوند. کتاب‌خوان‌ها روزبه‌روز کمتر می‌شوند. کتاب‌ها روزبه‌روز گران‌تر می‌شوند. میز و سانسور هم که مثل همیشه عرصه را تنگ‌تر می‌کند؛ اما اصلاً اهمیتی دارد؟

بحران قیمت کاغذ در کنار تورم فراینده، هزینه تمام شده کتاب را به شدت بالا برده است. در این میان نشر تنها مانده است. کتاب تنها مانده است. بعضی ناشران با روی آوردن به کتاب‌های عامه‌پسند سعی می‌کنند بخشی از مشکلات خود را حل کنند. برخی کتابفروشی‌ها با چندمنظوره کردن کتابفروشی خود تلاش به مقاومت دارند ولی اینها جز مسکن‌های کوتاه‌مدت نیستند.

سلول حیاتی فرهنگ، کتاب است. اقتصاد کتاب و نشر در ایران زیر بار فشار اقتصادی مضمحل شده و بیمار است. کتاب و فرهنگ دچار خون‌ریزی داخلی است. اگر خون‌ریزی داخلی را نفهمید و از آن جلوگیری نکنید، وقتی فاجعه را درمی‌یابید که مریض به کما رفته و جانی برایش نمانده است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۹۴۲۰۳۵

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

پیام کوتاه

۳۰۰۰۴۶۹۹

sharghline@sharghdaily.ir

الو شرق

۸۸۹۴۸۲۷۳